

## پژوهش‌های معاصر در فقه اقتصادی

### حجت‌الاسلام دکتر نظرپور

چکیده:

استاد ضمن بحث به نخبگانی از فقهاء اشاره داشتند که در زمینه فقه اقتصادی صاحب‌نظر بوده یا تأثیراتی داشته‌اند. مانند شاگردان شهید صدر مثل آیت‌الله حائری و هاشمی‌شاهرودی و تسخیری. و کسانی چون آیت‌الله مؤمن، سید‌محسن خرازی و سید‌عباس موسویان.

ضمن بحث، ایشان بعضی از تحقیقاتی که در این زمینه است معرفی کردند تا دوستانی که خواستند در این عرصه فعالیت کنند و تلاش علمی داشته باشند یا در فقه اقتصاد کار کنند آشنایی داشته باشند.

قسمتی از بحث نیز به عقود جدید اختصاص پیدا کرد و به مباحثی چون استصناع پرداخته شد. در ماده ۹۸ برنامه پنجم توسعه سال ۱۳۸۹ آمده است که سه عقد به مجموعه عقود بانکی اضافه می‌شود از جمله آنها استصناع، خرید دین و عقد مرابحه است.

همچنین از اسلامی‌شدن ماهیت بانک سخن گفته شد و به سه رویکرد آن اشاره رفت: یک. بانک نجس‌العين (مثل سگ و خوک) است و هیچ کار نمی‌شود کرد؛ دو. ذبح اسلامی، یعنی بانک مثل گوسفند است و می‌توانی ذبح کنی؛ اما غربی‌ها خوب ذبح نمی‌کنند ولی ما می‌توانیم خوب ذبح کنیم (دیدگاه شهید صدر) و نگرش سوم هم که اصلاً بانک مثل میوه‌جات است و همان‌طور که آنها استفاده می‌کنند شما هم می‌توانید استفاده کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم.

عنوانی که از ما خواسته شد تحت عنوان پژوهش‌های معاصر در فقه اقتصادی است. اجمالاً می‌خواهیم ببینیم چه افرادی در این زمینه‌ها کار کردند و تلاش کردند و آنها را معرفی کنیم و بعضی از تحقیقاتی که در این زمینه است معرفی کنیم تا دوستانی که خواستند در این عرصه فعالیت کنند و تلاش علمی داشته باشند یا در عرصه فقه کار کنند در این زمینه آشنایی داشته باشند.

بعد به خاطر اینکه صرفاً آشنایی و درواقع معرفی نباشد یک بخش دیگری را هم خدمت شما تدارک دیدم تحت عنوان «ضوابط عقود جدید» که ببینیم با عقود جدید چطور برخورد می‌شود و با چه ضوابطی عقود را تصحیح می‌کنند یا تصحیح نمی‌کنند و قابل به صحبت آن هستند یا قابل به فسادش هستند.

سپس سه مورد از عقود مختلف را تبیین می‌کنم که درواقع عقود جدید مطرح می‌شوند، یکی عقد استصناع و دیگری خرید دین و عقد مرابحه. دوستان با عقد مرابحه که درواقع گونه‌ای از بیع است و درواقع همان فروش اقساطی است که توسعه داده شده است آشنا هستند، با خرید دین هم آشنا هستند، یعنی تنظیم اسناد مدت‌دار است، اما با استصناع تقریباً دوستان آشنا نیستند.

جهت اطلاع عزیزان عرض کنم نوع کسانی که الان در اقتصاد اسلامی کار می‌کنند و حرفی برای گفتن دارند و مقالات و کتبی نوشته‌شده کسانی هستند که آمدند و دروس دانشگاهی را در آن حد فراگرفتند. من اصلاً عنایت ندارم که شما حتماً بخواهید دانشگاه بروید، نه. این منابع و این درس‌هایی که درس‌های بیس و پایه‌ای آن هست باید خوانده شود. حتماً باید ریاضی خوانده شود، چون الان ابزار استفاده از دانش اقتصاد ابزار ریاضی هستند و نمی‌توانیم بدون مباحث ریاضی وارد این بحث‌ها شویم، طبیعتاً با توجه به این قضایا یک فضای خاص دیگری را ترسیم خواهد کرد. اجازه دهید در همان روندی که مطرح شد از ما خواسته شده بحث را یک مقدار جلو ببرم و در قسمت پایان جلسه اگر فرصتی بود به آن فضایی که مدنظرتان است من بحث را مطرح می‌کنم.

پس اجمال قصیه این است که من در صدد هستم که پژوهش‌های معاصر را مطرح کنم و درواقع یک مقدار هم پژوهشگران ما خاصه در این زمینه‌ها کار کردند طبیعتاً شما یک مقدار آشنا می‌شوید با موضوعاتی که در این زمینه وجود دارد، یعنی موضوعات نویی که فقهای ما آمدند مطرح کردن و درواقع در بحث فقه الاقتصاد کار کردند چه فضایی است و مناسب با آن فضا بحث را ما جلو ببریم.

من خواستم به عنوان مقدمه کلامی از امام را داشته باشم که شما هم آشنا هستید، چند تا اسلاید من مربوط به کلام امام است که امام می‌فرماید «اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهري هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم، اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این به این معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست». امام بعد بحث زمان و مکان را مطرح می‌کنند و مسایل دیگری که هست.

در وصیت‌نامه سیاسی امام هم آمده است که «لازم است علماء و مدرسین محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقاهت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریق مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقت‌ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد»

باز در جای دیگر ایشان می‌فرمایند که «در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی و فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد»

در جای دیگر باز بیان می‌فرمایند که «یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدبّر و مدیر باشد..»

آن جمله معروف امام هم که حتماً شما شنیدید اینجا آورده‌ام که «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است.»

آن چیزی که خیلی از روشنفکران ما امروز و دیروز به فقه خرد می‌گرفتند که حالا مباحثت گذشته است و تمام شده است، امام واقعاً می‌فرمایند که نه «حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است». باز امام دارند که هدف ما این است که ما دقیقاً فقه را عمل کنیم و از فقه جدا نشویم و برای معضلات جامعه هم از فقه کمک بگیریم.

اسلاید بعدی هم شما ملاحظه می‌فرمایید که می‌فرمایند حالا اگر ما این مباحثت را داشته باشیم آیا روحانیت باید وارد این عرصه‌ها بشود یا نشود؟ امام می‌فرمایند اصلاً ضروری است که وارد این عرصه‌ها بشویم. یک مجتهد باید وارد این عرصه‌ها بشود و تا از نزدیک دستی در آتش نداشته باشد خیلی از مسایل را ممکن نیست درک کند. خود امام نگاه کنید بعضی از فتواهای ایشان قبل از حکومت و بعد از حکومت تغییر پیدا می‌کند و جالب هم هست که مثلاً وقتی آیت‌الله قدیری نامه‌ای دارند که شترنج را برای امام می‌نویسنند، امام یک برخورد تندی نسبت به ایشان دارند که به این شیوه اگر بخواهیم برخورد کنیم نیست و تحولات گسترده‌ای در عرصه موضوعات اتفاق افتاده است که فقیه باید کاملاً مسلط باشد.

در رابطه با پژوهشگران و پژوهش‌های فقهی معاصر عرض کنیم. ما متأسفانه تعداد زیادی از فقها نداریم که در بحث‌های اقتصادی آمده باشند و در مباحث اقتصادی ریز شده باشند و خصوصاً مباحث اقتصادی جدید را مطرح کنند. البته لازمه‌اش این است که برای فقیه اهمیت داشته باشد که مباحث مختلف را و موضوعات جدید را بخواهد مطرح کند. من آن‌طور که در ذهنم است این‌طور است شاید هم درست نباشد و شاید هم دوستان بخواهند اصلاح کنند، ببینید در یک موضوعی فرض کنید موضوع طهارت، اگر یک فقیهی بخواهد درس خارج داشته باشد شاید ۳۰-۲۰ تا منبع درست و حسابی می‌تواند پیدا کند ولی در یک موضوع جدید اقتصادی فکر می‌کنید چند تا منبع می‌تواند پیدا کند؟ و لذا باید بنشیند از ابتدا تا انتها همه حرف‌ها را صاف بکنند تا به نتیجه برسد و این خیلی کار دشواری است.

آیت‌الله سید کاظم حائری

بیع صکوک

آیت‌الله سید کاظم حائری یکی از شاگردان جناب شهید صدر بوده است و رساله هم دارد و مباحث فقهی معاصر را به شکل گسترده‌ای ایشان مطرح کرده و در بسیاری از موارد

تقریری از مباحث شهید صدر هم دارد. خیلی از جاها که بعضاً بهایم هم بود در نظر شهید صدر، ایشان انصافاً آمدند بحث‌ها را باز کردند و در موضوعات خاصی هم فعالیت کردند.

مباحثی که ایشان مطرح کردند یکی بررسی فقهی اوراق نقدی است. اوراق نقدی تعابیر مختلفی از آن می‌شود، امروزه تحت عنوان صکوک مطرح می‌شود، اوراق بهادر مطرح می‌شود، مثل اوراق قرضه در اقتصاد متعارف، مثل اوراق مشارکت، مثل اوراق استصناع، مثل اوراق مرابحه، اجاره و امثال اینها.

خوب خود این اوراق نقدی آیا مالیت دارد؟ قابل خرید و فروش هست؟ و مواردی از این دست به شکل گسترده مطرح شده است. مفهوم بیع در فقه اسلامی که اینها را شامل می‌شود که من نمی‌خواهم خیلی وارد شوم چون موارد متعدد است و فقط سرفصل‌ها را خدمتان عرض می‌کنم.

### بررسی فقهی حق التالیف، حق الابداع و حق اختراع

برخی از فقهای ما مثل فتوای امام این بوده است که اصلاً حق تألیف به این ماهیت ندارد، حالاً یک نفر نوشته و شما می‌توانید استفاده کنید، گرچه فقهای دیگر ما قایل به این مسئله نیستند. فقهای معاصر ما می‌گویند حق التالیف، حق الابداع، اینها ماهیت دارد و شما نمی‌توانید بدون اجازه طرف مقابل استفاده کنید، اما فتوای گذشته امام همین بوده است.

### مالکیت شخصیت‌های حقوقی

بحث مالکیت شخصیت‌های حقوقی، اصلاً آیا ما شخصیت حقوقی داریم یا نداریم؟ آیا یک بانکی که با آن معامله می‌کنید این خودش شخصیت حقوقی است؟ می‌توانید اصلاً با آن معامله کنید یا مالی که شما در اختیار بانک گذاشتید مجھول‌المالک می‌شود و بعد مثل اینکه مالتان را در دریا ریختید و از دریا می‌خواهید چیزی را برداشت کنید. اصلاً این مال معلوم نیست مال شما باشد! بعضی از فقهای ما مثل حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی معتقدند که ما شخصیت حقوقی دولتی به این معنا نداریم که اصلاً شکل بگیرد، خصوصاً این بحثی که آیا دولت اصلاً مالک می‌شود یا نه جای تأمل و تدبیر وجود دارد. در هر صورت این موضوع موضوع مبتلا بهی است.

در بازار بورس این بحث مطرح است که افراد آیا مالک می‌شوند؟ آیا خود آن شرکت هم مالک می‌شود؟ آیا شرکتی که دولتی باشد آن هم مالک می‌شود؟ و مباحثی از این دست.

### رهن و اجاره

لقطه و مجھول‌المالک بحث متعارفی است. رهن و اجاره، آیا ماهیت فقهی جداگانه‌ای دارد، اصلاً رهن تحقق پیدا می‌کند؟ اجاره تحقق پیدا می‌کند؟ چیزی که بین مردم متعارف است رهن با اجاره است و مباحث دیگری مثل این در بین فقهای در حد ایشان ما کمتر بزرگی داریم نظیر ایشان که وارد این مباحث بشود که کاملاً تخصصی شده باشند و بحث فقه و اقتصاد را مطرح کرده باشند.

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی

فقیه بزرگوار دیگری که در مباحث اقتصادی زحمت کشیدند و تلاش نمودند و تأثیفات برجسته‌ای دارند آیت‌الله هاشمی شاهروdi است. ایشان هم در موضوعات اقتصادی انصافاً با دقت نظری که ایشان در مباحث دارند، بسیار آدم دقیقی هستند. در این مباحث جدید به خوبی وارد شدند و مباحث را مطرح کردند.

### ضمانت

ضمان کاهش ارزش پول، آیا بانک مرکزی ضامن است، من ضامن هستم؟ چه کسی ضامن است؟ دیروز به شما قرض دادم امروز می‌بینم که قیمت پول خیلی کاهش پیدا کرده است، ارزش پول کاهش پیدا کرده است، آیا من مالیت آن پول را به شما قرض دادم؟ یا خود پول را به شما قرض دادم؟ آیا اینکه پول را به شما قرض دادم من مقصرم که ارزش پول کاهش پیدا کرده است و من باید جبران بکنم یا اگر بانک مرکزی مقصراً است دولت مقصراً است و او باید جبران کند، من یک قرضی از شما گرفتم و بعداً می‌خواهم برگردانم چرا من باید ضرر را تحمل کنم، در هر صورت بحث کاملاً بحث باز و روشنی است.

### عقد خیار و استصناع

بحث عقد خیار مطرح است که آیا می‌تواند کاربرد داشته باشد؟ در موارد متعددی از عقد خیار روی عقد شرطی را بگذارید که بتوانید عقد را به هم بزنید، دوباره‌این عقد به شما برگشت پیدا کند. مالیات در حکومت اسلامی، بحث استصناع را ایشان و آیت‌الله مؤمن توأمان با هم مطرح کردند، در دو سه تا شماره پس‌وپیش فقه اهل‌بیت مطرح شده است که انصافاً جناب آیت‌الله شاهروdi با یک رویکرد کاملاً نقادانه به بحث نگاه کردند و خیلی به سختی توanstند یک مبنای را انتخاب کنند ولی آقای مؤمن مبنای را انتخاب کردند و کار را جلو بردند.

خصوصیات آیت‌الله هاشمی شاهروdi این است که چون ذهن جوّالی دارند احتمالات را خیلی مطرح می‌کنند و مواردی را که نقض می‌کند را مطرح می‌کنند. شما خودتان باید به یک جمع‌بندی روشنی برسید، سرانجام ایشان چه می‌خواهد بگوید و سرانجام چه استفاده می‌کند، ولی آیت‌الله مؤمن که این بحث را مطرح کردند با یک مبنای روشن و مشخصی آمدند بحث را مطرح کردند. بحث زکات، بحث پیش‌بها یا بیعانه و اجاره از مباحثی است که ایشان مطرح کردند. باز هم مطالب ایشان را به خوبی می‌توانید در مجلهٔ فقه اهل‌بیت ببینید، چون خودشان هم سردبیر فقه اهل‌بیت هستند و مدیر مسئولش هستند از این‌جهت مباحث ایشان خیلی خوب می‌شود در آنجا ملاحظه شود.

### آیت‌الله مؤمن

#### اوراق مشارکت

ایشان با توجه به اینکه در شورای نگهبان بودند و هستند وارد این مباحث شدند، بحث اوراق مشارکت از جهت فقهی را اولین بار ایشان مطرح کردند. اوراق مشارکت دولتی مطرح شد در کنارش

اوراق مشارکت بانک مرکزی که هنوز هم بحث از جهت فقهی باز است که اوراق مشارکت چه معنا و چه مفهومی دارد؟ آیا واقعاً مشارکت در سود است؟ مشارکت در زیان است؟ آیا اصلاً می‌شود این در عین حال که شما مشارکت را مطرح می‌کنید بگویید نه سود را سهم گذاری و تسهیم کنیم و زیان و ضرر را نه و مواردی از این دست بحث‌های جدی است که در ارتباط با مشارکت مطرح است.

بحث ولی‌امر و مالکیت اموال عمومی را دارند، استصناع را مطرح کردند، جمعیت و تنظیم خانواده را در بحث‌های خودشان مطرح کردند. در هر صورت ایشان هم از بزرگانی هستند که اگر بخواهید در بحث‌های اقتصادی کار کنید و با اسلوب فقهی در ورود و خروج به اصحاب ولی‌فقیه که مسلط به مباحث فقه اقتصاد هستند و به راحتی بحث را مطرح می‌کنند.

### آیت‌الله تسخیری

#### كتاب الاقتصاد الإسلامي

آیت‌الله تسخیری انصافاً در عرصهٔ بین‌المللی ما می‌توانیم بگوییم نمونه‌ای مثل ایشان را نداریم. ایشان از سال‌های سال هم در مجتمع جهانی فقه اهل‌بیت بودند و مجمع تقریب بودند، قبل از ایشان هم آیت‌الله واعظ‌زاده بودند. در هر صورت خصوصیات ایشان این است که کاملاً به زبان عربی مسلط و از شاگردان آیت‌الله شهید صدر بودند و تقریرات درس‌های ایشان را در بحث‌های مختلف دارند و در صحنهٔ جهانی به عنوان یک فقیه مسلط امامیه ایشان ظهور و بروز پیدا می‌کند.

ایشان مقالات بسیار گسترده‌ای دارند، شاید حدوداً ده‌پانزده تا کتاب و پنجاه صفت تا صد تا مقاله از ایشان داریم. انصافاً در حیطه‌های مختلف قابل توجه بوده است. ما در شورای فقهی بانک مرکزی خدمت ایشان هستیم بسیار فقیه مسلط و مباحث روز هم دستشان است و بسیار زیرک و در واقع حضور ذهن دار نسبت به مباحث مختلف هستند. ایشان هم در عرصهٔ بانکداری خصوصاً کارهای زیادی انجام دادند، در سطح بین‌الملل بسیار زحمت کشیدند، ایشان کتابی دارند تحت عنوان «الاقتصاد الإسلامي» که بخشی از این کتاب در رابطه با بانکداری اسلامی است و کاملاً با نگرش فقهی به بحث نگاه کردن. مبانی فقهی بانکداری اسلامی را ایشان دارند، تطبیق فقهی سپرده‌های بانکی و احکام آن را دارند، سپرده‌گذاری بانکی چیست؟ مثلاً سپرده قرض‌الحسنه جاری، سپرده پسانداز، عقود مختلف، اینها از نظر ماهیت فقهی چه چیزی هستند؟ خیلی متفاوت است، اگر ماهیت فقهی آنها قرض باشد خوب کل آن شرط مازاد می‌شود و اگر نباشد چه می‌شود.

در هر صورت ایشان در این بحث خصوصاً در بحث بانکداری اسلامی بسیار مسلط و قوى ظاهر شدند. انصافاً در دفاع از شیعه و از مبانی فقهی شیعه خیلی نقش آفرینی کردند.

### کارت‌های اعتباری

کارت‌های اعتباری که تا حدودی مستحضر هستند، کارت‌های اعتباری باز غیر از کارت خرید و فروش و کارت‌هایی که ما داریم کارت پرداخت است و مال واریز و دریافت پول است. به اینها

کارت اعتباری گفته نمی‌شود. کارت اعتباری کارت‌هایی هستند که شما بدون اینکه در حسابتان پول باشد در حسابتان پول شارژ می‌کنند و بعد شما می‌روید کالا می‌خرید، حالا شیوه پرداختش چگونه است. در اقتصاد متعارف شیوه پرداخت این‌گونه است که شما مازادی را می‌پردازید و خلاص، حالا در ایران قرار بوده است که آموزش و پرورش یک‌میلیون دو میلیون کارت‌هایی را شارژ کند و الان شورای فقهی بانک مرکزی تصویب کرده است که در قالب عقد مراوده این عقود قابل استفاده است اما در عین حال بحث جدیدی است و همچنان بحث بازی در این زمینه است. ایشان مطالعه در این زمینه دارند.

### جرائم تأخیر

شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا، کاری است که ایشان انجام دادند. یک بحثی ما در مباحث بانکی داریم دوستان اگر بخواهند از جهت فقهی هم کار کنند هنوز جای کارکردن دارد خیلی زیاد هم جای کارکردن دارد بحث جرم تأخیر است، جرم تأخیر چیست؟ شما الان می‌روید از بانک وام می‌گیرید ۵ روز تأخیر می‌کنید، یک مبلغی از شما می‌گیرند، جرم تأخیر چه چیزی است؟ ربا هست یا نیست؟ امام می‌فرمود ربا است. خیلی از آقایان می‌گویند ربا است. برخی از فقهاء ما مثل آیت‌الله صافی گلپایگانی و برخی از فقهاء شورای نگهبان مثل آیت‌الله رضوانی معتقدند که نه این شرط ضمن عقد هست، الزام به این هست که فرد سر و عده خودش بپردازد، نه اجازه به تأخیر پرداخت در ازای یک مبلغ مازاد.

خوب دو تا مبنای کاملاً متفاوت است. ما در ایران بر مبنای فتوای نادری که این دو سه تا بزرگوار دارند عملاً داریم جرم تأخیر را اخذ می‌کنیم. بسیاری از بزرگان مثل آیت‌الله سیستانی، مثل امام، مثل مقام معظم رهبری، خیلی از فقهاء ما اصلاً قبول ندارند و در عین حال هم دارد اجرایی می‌شود.

جالب است بدانید تقریباً هیچ کشور اسلامی از جرم تأخیر استفاده نمی‌کند و فقط ما هستیم که داریم استفاده می‌کنیم، همیشه هم وقتی در سطح جهانی مطرح می‌شود این ابهام به ما هست که در واقع جرم تأخیر همان ربا است و امام تصریح کردند که ربا است.

خوب این بحث آیا ما می‌توانیم به ازای این جرم تأخیر مثلاً بگوییم جرم تأخیر نگیریم، مثلاً فرد را جرم کنیم که جرم تأخیر هم نه به بانک پرداخت شود، به مثلاً قوه قضائیه پرداخت شود از باب اینکه او تأخیر کرده و تخلف کرده است او را جرم کنیم مثل اینکه کسی تخلف کرده و خلاف قانون عمل کرده است شلاقش می‌زنیم و تعزیرش می‌کنیم، این هم در قالب حد می‌توانیم از او پول بگیریم یا فقط باید شلاق بزنیم، این بحث‌های بسیار جدی و حادی است که هنوز هم مطرح هست.

- می‌خواستم ببینم غیرازاین نگاه که ازلحاظ حقوقی بانک‌ها باید قوانین را رعایت کنند، ربوی باشند یا نباشند، اصلاً یک نگاه متفاوتی روی جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام هست که اصلاً کارکرد بانک یک چیز دیگری بشود، یعنی یک نگاه متفاوتی غیرازاین، نه اینکه تمام تلاش‌ها بر این

باشد که بانک همین طور که هست باشد نهایتاً ما بیاییم بگوییم این را فقهی اش بکنیم، روی کارکردن  
هم آیا کار شده است؟

استاد: بحث به نظرم بحث گسترده‌ای است. خیلی به اجمال و مختصر بخواهم عرض کنم چند تا  
رویکرد وجود دارد. یک رویکرد این است که بانک را اصلاً نمی‌شود هیچ استفاده‌ای کرد، بانک مثل  
همان سگ و خوک است و هیچ کار نمی‌شود کرد.

نگرش دوم همین است که می‌گویند ذبح اسلامی. بانک مثل گوسفند است می‌توانی ذبح کنی یعنی  
غربی‌ها خوب ذبح نمی‌کنند شما می‌توانی خوب ذبح کنی.

یک نگرش سوم هم هست که اصلاً بانک مثل میوه‌جات است و همان‌طور که آنها استفاده می‌کنند  
شما هم می‌توانید استفاده کنید. هر سه تا نگرش هم قابل دارد. خدا آیت‌الله معرفت را رحمت کند.  
ایشان می‌فرمودند بانک پدیده مستحدشی است که از خارج آمده است و تمام قوانینش را شما اجرا کنید  
و ناراحت هم نباشید. پس اگر ربا هم مطرح است ربا بین دولت و ملت است در بانک‌های دولتی هم  
طبیعتاً ربا اشکال ندارد. خوب این یک نگرش است، خوب مورد پذیرش قرار نگرفته است.

یک نگرش دیگر این است که اصلاً سمت بانک نروید چون بانک یک پدیده غربی است و مثل  
سگ و خوک است یعنی نجس العین است و هیچ وقت نمی‌توانید تطهیرش کنید.

اما دیدگاه غالب که دیدگاه شهید صدر است و دیدگاه پذیرفته شده ما هست این است که بانک  
مثل آن گوسفندی است که گوشتش خیلی خوب هم هست آنها بد ذبح می‌کنند ما خوب ذبح می‌کنیم.  
- ببخشید استاد، این هم همان شد، یعنی باز هم بانک را به عنوان یک موجودی ما پذیرفتیم  
چگونه با آن تعامل کنیم؟ حالا یک نگاهی وجود دارد که اصلاً این بانک را بیاید به عنوان یک ابزار  
بگوییم ما یک کارکردهای جدید برای آن تعریف می‌کنیم یک ماهیت جدید برای آن تعریف می‌کنیم،  
یک زایش دوباره‌ای در جامعه داشته باشد.

استاد: ببینید حرف خوبی است، ولی وقتی در صحنه عملی می‌روید خیلی از کارکردهای بانک را  
شما می‌پذیرید. من یک مثال خدمت شما عرض کنم، ببینید یک کارکرد بانک تخصیص منابع است، به  
چه معنا؟ یک عده افراد پول‌های خردمندانه دارند و نمی‌توانند با آن کار کنند، صد هزار تومان، دویست  
هزار تومان، یک میلیون تومان پول دارید که نمی‌شود با آن کار کرد، یک عده افرادی هم هستند که آدم  
اهل فکر هستند پول ندارند، در گذشته‌ها این‌گونه بوده است که من می‌شناختم کسی را، خواهرم را،  
برادرم را، دوست و آشنا می‌دانست که من یک مقدار پول دارم و الان پول دستم است، به من مراجعه  
می‌کرد اما الان می‌تواند چنین جوابی بدهد؟ خوب یک عده افراد می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند و آدم  
مبتكری هستند، یک عده افراد هزار نفر جمع می‌شوند پول می‌دهند به یک آدمی که می‌خواهد یک  
شرکتی یک بنگاهی بزند، این کارکرد بانک است، می‌توانید این را نقد کنید؟

کارکرد دو مش سیاست‌های پولی است. حجم پول در جامعه زیاد است، چون حجم پول، تولید در  
جامعه زیاد است کالا که به اندازه حجم پول اضافه نمی‌شود، بانک مرکزی می‌تواند پول تولید کند. حالا

با یک شرایط خاص خودش و به دولت قرض بدهد. قرض‌هایی که در اختیار دولت هست، حاصل فروش نفت، قیمت‌های نفت هم بالا رفت، باید بگیرد، طراز دارایی خودش را افزایش دهد، آن‌طرف به‌اصطلاح باید سکه و اسکناس چاپ کند. خوب این کاری که انجام می‌شود، بانک در این عرصه می‌تواند چکار کند؟ می‌تواند پول‌ها را جمع کند جلوی تورم را بگیرد و مهار کند، می‌توانید به این کارکرد در جمهوری اسلامی بگوییم نیاز نداریم؟

- خوب نه، با ابزارهای مختلف می‌شود فرهنگ‌سازی کرد، با تعاونی‌ها، با شرکت‌های دیگر، مسلمًاً فرهنگ هم باید تغییر کند.

استاد: دقیقاً قبول داریم. این همان رویکردی است که در اقتصاد اسلامی بحث می‌شود یعنی بانک را ما آن چیزهایی که به‌طور متعارف در بانکداری‌های آن‌طرف انجام می‌شود را می‌پذیریم؛ اما یک قسمتش را به تعبیر شهید صدر باید ذبح شرعی اش بکنیم که فقهی اش بکنیم. و یک قسمت دیگر را باید تعالی ببخشیم، آن تعالی بخشیدن چطور است؟ فرمایشی که شما دارید حالا من به زبان شما می‌گوییم. ببینید آن‌طوری که من می‌گوییم شما راضی هستید یا نه این است که ما اهداف نظام اقتصادی اسلام را بگیریم آن اهداف نظام اقتصادی اسلام را در بانک هم پیاده کنیم، مثلاً توزیع ثروت، از بین بردن فقر، رشد اقتصادی، غیرازاین مدنظرتان است؟

- درست است، اصلاً شاید کارکردهای جدیدی بشود برای آن تعریف کنیم.

استاد: ایرادی ندارد، اصل چارچوب را می‌پذیریم، این درواقع نگرش سوم به بانک است.

- چنین نگاهی وجود دارد.

استاد: بله کاملاً وجود دارد. در مقالات هست. در کتابی که ما خودمان تدوین کردیم و چاپ خواهد شد تحت عنوان «بانکداری اسلامی از نظریه تا تجربه» یکسری رویکرد را مطرح کردیم، این سه تا رویکرد است و همه هم معتقد به رویکرد سوم هستند ولی ابزارها برای آنها محدود است. به این راحتی نمی‌توانند برسند، مشکلاتی وجود دارد مثلاً شما ببینید ما بانکداری را می‌توانیم بانکداری فقهی کنیم، خیلی خوب می‌توانیم بانکداری فقهی کنیم ولی اگر فقه پیاده شد معناش این نیست که همه اهداف نظام اقتصادی اسلام هم تأمین شده است.

یک مثال خیلی کوچکی بزنم. فرض کنید در یک روستای صد خانواری یک بانکی آمده تأسیس شده است. در این روستا افراد کوچکی پول‌های محدودی دارند می‌دهند، فرض کنید نود نفر، نودوپنج نفر پول‌هایشان را می‌گذارند. یک نفر می‌آید کاری می‌کند و در کار خرید و فروش می‌رود، نزدیک مرز است، کالا وارد می‌کند کالا خارج می‌کند، بعد درآمدی کلان به دست خواهد آورد و سود بانک را هم تأمین می‌کند، این سودهای خردخخرده به دست اینها می‌رسد؛ اما سود کلان در اختیار چه کسی قرار می‌گیرد؟ در اختیار همین آقایی که در صادرات و واردات و در مرز و اینها هست.

بعد از یک مدتی مثلاً ۱۰ سال می‌بیند که این بانکی که در این روستا کار کرده است می‌بیند که عجب توزیع درآمد فوق العاده بد شده است، یک قله ثروت و بقیه همه کارگرها نشستند، این به نظر

شما از جهت فقهی ایراد دارد؟ بانک کاملاً فقهی است، هیچ قرارداد غیر مشروع استفاده نکرده است ولی از جهت اقتصادی، از جهت نظام اقتصادی اسلام پدر این جامعه را ما درآوردیم!

- به نظر شما شدنی است؟

استاد: به نظرم شدنی است، الان برخی از بانک‌های خصوصی به نظر می‌آید دارند خوب کار می‌کنند.

- نه صرفاً شرعی، مناسب با اهداف اقتصادی اسلام؟

استاد: من به نظرم شدنی است، قطعاً شدنی است؛ ولی نه با این سرعت کاری که الان ما پیش گرفتیم. خوب اجازه دهید یک مقداری ما بحث را جلو ببریم.

### شرط جزایی در حقوق

بحث دیگری که باز ایشان دارند شرط جزایی در حقوق است. بازهم خیلی نمی‌توان وارد این بحث شد به گونه‌ای با آن بحث کیفری همافق می‌شود، آیا می‌شود در قراردادها یک شرط جزایی داشته باشیم یا نه؟ صکوک یا اسناد بهادر و حکم شرعی آنها که مقاله‌ای ایشان در اقتصاد اسلامی دارند، دوستانی که می‌خواهند در عرصه فقه اقتصاد کار کنند یکی از مجلات خوبی که در این زمینه دارد چاپ می‌شود مجله علمی پژوهشی «اقتصاد اسلامی» است. خوشبختانه یکی از مجلاتی است که امتیاز بسیار بالایی هم آورده است از جهت ارجاع و إسناد به این مجله که تعبیر می‌شود مقالات داغ در آن زیاد است.

- این مجله مربوط به کجاست؟

استاد: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و انجمن اقتصاد اسلامی ایران، مشترکاً با هم چاپ می‌کنند، عمده کارش به عهده پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است که دوستان بسیار خوبی مثل آقای موسویان و اینها هستند.

### سید محسن خرازی

فرد دیگر آقای سید محسن خرازی است که ایشان هم مقالات متعددی در این عرصه دارد. خیلی ایشان مطرح نیست ولی کارهای علمی ایشان بسیار کار ارزشمندی است. درس خارج در حوزه دارند و در واقع بحث کم‌فروشی، معامله ربوی در حالت جهل و اضطرار، پول‌های کاغذی، انصافاً یکی از بحث‌های مشکل و معضلی که ما در بحث‌های اقتصادی داریم بحث پول و کاهش ارزش پول است که در بحث‌های بعد اشاره خواهیم کرد، پژوهشی در اقسام بانک و احکام آن، این چهارمقاله را ما از ایشان دیدیم و کاملاً هم رویکرد فقهی خاص است و رویکرد اقتصادی به آن معنا نیست، کاملاً هم مثل یک فقیه وارد شده و در این عرصه‌ها و موضوعات جدید ایشان فعالیت کرده است.

سید عباس موسویان و...

سایر پژوهشگران اگر در سطح طراز اول بزرگان را نگاه کنیم و یک پله پایین بیاییم به اصطلاح دوستانی که در این زمینه دارند کار می‌کنند مهم‌ترین و برجسته‌ترین فرد در این عرصه جناب آقای سید عباس موسویان است. ایشان جزء هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، و عضو شورای فقهی بانک مرکزی و عضو شورای فقهی بورس اوراق بهادار هم هستند. تقریباً یک صاحب‌نظر برجسته در عرصه اقتصاد اسلامی بخواهیم تعریف کنیم، در عرصه بانکداری اسلامی بدون تردید نمی‌توانیم ایشان را از قلم بیندازیم و درواقع جزو برجستگان این عرصه هستند. حتماً شما با ایشان آشنا هستید و ایشان حتی‌الآن در دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌هایی که بانک مرکزی می‌خواهد تدوین کند حتماً نظر ایشان را می‌خواهد. تحصیلات آکادمیک ایشان لیسانس اقتصاد از دانشگاه مفید هستند و فوق‌لیسانس در علوم اقتصادی از دانشگاه شهید بهشتی هستند و دکترا فقه اقتصاد از حوزه گرفتند.

علاوه بر آنکه سطح چهار هم دفاع کردند در عرصه قرآنی هم ایشان تحصیلاتی را تا حد دکترا دارند یعنی ایشان دو تا دکترا دارند و خیلی قوی و مسلط در مباحث فقهی هستند. بله ایشان از سال ۶۸ تا حالا در این عرصه قلم می‌زنند و انصافاً هم کتاب‌های با ارزشی دارند بعضی از کتاب‌های ایشان هم کتاب سال شده است.

کتاب معروفی ایشان دارند که تقریباً اولین کتابی است که در این عرصه چاپ شده است «ابزارهای مالی اسلامی، صکوک» است. صکوک درواقع اوراق بهادار است، اسناد مثل اوراق مشارکت از صکوک است، اوراق استصناع صکوک است، اوراق مرابحه که اخیراً شرکت هوایپمایی ماهان چاپ کرد و بانک سامان چاپ کرد اینها همه صکوک هستند یعنی اوراق بهادار هستند. اوراق بهادار بسیار کارگشایی دارد و در سیاست‌های پولی یا سیاست‌های مالی کاملاً قابل استفاده است. سپرده‌های انتقال‌پذیر را ایشان دارند، ما غالباً سپرده‌هایی که امروز در بانک مطرح است سپرده‌های به نام شمامست و این عدم انتقال‌پذیری را نشان می‌دهد.

یک خصوصیتی را فقط عرض کنم که متوجه شوید چقدر اهمیت دارد این است که شما مثلاً اگر فرض کنید که سود سپرده‌های بانکی که به نام شما هست، مثلاً ۱۹ درصد است پنج‌ساله، اگر شما بخواهید بردارید بلاfacile سودش چقدر می‌شود؟ سود سالانه می‌شود هفت درصد، ده درصد، دوازده درصد، ولی سپرده‌های انتقال‌پذیر خصوصیتش این است که اگر شما سودی را در اختیار گرفتید ده درصد، یک سال داشتید می‌توانید به دیگری واگذار کنید.

بانک هم مطمئن است که در طول سپرده پنج‌ساله‌اش در طول این پنج سال هم وجوده را از بانک برداشت نخواهند کرد، هم برای بانک مناسب است و هم برای فرد. این بحث به عنوان سپرده‌های انتقال‌پذیر است. مقاله‌ای ایشان در این زمینه دارد هم از جهت فقهی و هم از جهت اقتصادی بحث را مطرح کردند.

یک دنیایی از مباحثت به نظرم در مباحثت اخیر بانکی مطرح است و من خدمت شما عزیزان مطرح می‌کنم چون کاملاً در این فضا هستم و آشنا هستم معتقدم که بحث‌های بانکی و بحث‌های اقتصاد اسلامی در این زمینه بسیار گنجایش این را دارد که همه شما وارد این بحث‌ها بشوید. هنوز هم خلل وجود دارد. من الان یک مورد از خلل‌ها را می‌گویم.

احکامی که بانک مرکزی دارد هنوز برای ما خیلی مشخص نیست! کار فقهی قشنگ در این زمینه انجام نشده است. مثلاً بانک مرکزی می‌تواند پول چاپ کند؟ دولت می‌تواند پول چاپ کند؟ آنوقت شما این طرف دچار تورم بشوید، چنین چیزی می‌شود؟ علی القاعده ممکن است بگوییم به عنوان احکام ثانویه بله و تمام است، ولی به نظرتان قضیه تمام است؟ بانک مرکزی می‌آید اوراق را می‌خرد، روی قیمت تأثیرگذار است، قیمت به یکباره کم می‌شود یا افزایش می‌یابد، می‌شود چنین کاری انجام داد و از نظر فقهی ایراد ندارد؟ آیا این تصرف در پول شما نیست؟ شما از خواب بلند می‌شوید و می‌بینید که ارزش پولتان خیلی پایین آمده است، کالاهای بالا رفته است و شما پول نقد داشتید از بین رفته است، ارزشش بیست درصد چند درصد پایین می‌آید، چه کسی این را انجام داده است؟ بانک مرکزی، دولت، دولت آمده از بانک مرکزی استقرارض کرده است، می‌شود؟ اشکالی ندارد؟

- اصلاً شرعی هست یا نیست؟

استاد: حالا آن هم بحث است واقعاً. آثار تبعی آن چطور یعنی آثار تکلفی آن شاید مشخص بشود، آثار وضعی آن چطور؟ حالا پول من کاهش پیدا کرده است دولت باید این را جبران کند یا نه؟ دنیایی بحث دارد که مطمئن باشید خیلی از این قضایا بحث نشده است. حالا ما در صدد هستیم که در زمینه بانکداری اسلامی و در بانک مرکزی کارهایی انجام بگیرد و پایاننامه‌هایی در این حد تدوین شود ولی در هر صورت جا خالی هست، بسیاری از مباحثت از این دست جایش خالی است.

فقه معاملات بانکی، باز ایشان کتابی دارند تحت عنوان فقه معاملات بانکی. قطعاً شما اگر وارد عرصه بانکداری اسلامی بشوید، در اینترنت بانکداری اسلامی را سرچ کنید کنارش آقای موسویان را خواهید دید. یعنی در این حد ایشان انصافاً به طور گسترده‌ای کار کرده است. مبنای فقهی قانون عملیات بانکی بدون ربا، قلم بسیار روان و خوبی دارند. بررسی فقهی حقوقی تعیین نرخ سود بانکی، آیا می‌شود نرخ سود بانکی را تعیین کرد؟ آیا دولت، بانک مرکزی می‌تواند بگوید نرخ سود این مقدار است؟ همین کاری که در گذشته انجام دادند، یکباره نرخ سود را پایین آوردند ملت به سمت سکه و ارز رفتند، دوباره آمدند نرخ سود بانکی را افزایش دادند دوباره سرمایه‌ها به این طرف برگشت و آن آثار تورمی خودش را همچنان گذاشت چون انتظار افزایش قیمت همچنان برای مردم هست، احساس نمی‌کنند که دولت می‌تواند این حرف‌هایی که می‌زند روی قول خودش بایستد، آیا این اصلاً مجاز است؟ آیا اصلاً در بحث قیمت‌گذاری هست یا نیست؟ آیا این قیمت‌گذاری را می‌تواند پایین‌تر از تورم انجام دهد یا نه؟

## احمدعلی یوسفی

جناب آقای احمدعلی یوسفی هم از برجستگان این رشته هستند خصوصاً در بحث‌های پول ایشان کارهای خوبی انجام دادند. ایشان هم کارشناسی ارشد را از دانشگاه شهید بهشتی گرفتند، کارشناسی از دانشگاه مفید گرفتند و دکترا ایشان را هم از حوزه گرفتند و در روال کاهش ارزش پول ایشان کارهای بسیار گسترده‌ای انجام داده است. بحث کتابشان راجع به ربا و تورم کتاب سال شناخته شده است. باز هم در این عرصه اگر کسی بخواهد قلم بزند بی‌تردید نیاز به کتاب‌های ایشان دارد. تفقه ایشان بسیار گسترده است. نظر فقه‌ها را جمع کرده است و کارهای بسیار گسترده‌ای که انجام دادند. پول امروز می‌شود است یا قیمتی هست، یا قیمتی است که البته قیمتی تعبیر بهتری است، یا ماهیت سوم دارد؟ بررسی فقهی «اقتصاد تعاونی» را ایشان دارد کار می‌کند و به شکل بسیار گسترده‌ای است، ایشان هم عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی هستند.

## ابوالقاسم علیدوست

آقای ابوالقاسم علیدوست هم که عضو هیئت‌علمی هستند و درس خارج هم ایشان می‌گویند. ایشان هم در چند حوزه کار کردند، ادله عمومی قراردادها، فقه و مقاصد شریعت، قاعدة نفی غرور در معاملات و... . ایشان هم باز از جهت فقهی کاملاً قوی قلم می‌زنند در عرصه‌های اقتصادی هم که وارد شدند خیلی محکم هستند. ادله عمومی قراردادها از مقالاتی است که از ایشان در فقه اهل‌بیت چاپ شده است و مقاله ایشان که البته بیشتر شباهت به یک جزو دارد چیزی نزدیک صد صفحه است و در ارتباط با قراردادها بسیار قوی و محکم و خلاصه در این عرصه ایشان وارد شده‌اند گرچه ایشان در عرصه‌های دیگر هم قلم می‌زنند و به خاطر همین هم من بعد از دوستان که متهم خود در مباحث اقتصادی هستند ایشان را مطرح کردم.

این قسمت اول بحث بود که می‌خواستم خدمت شما مطرح کنم.

- برای نرخ سود بانکی که فرمودید حالا ما یک سخنرانی از آقای حسن عباسی گوش می‌دادیم، ایشان می‌گفت که آقای مکارم ظاهرًا گفتند که و چند تا از علمای دیگر مثل آقای صافی که سود بیش از چهار درصد ظاهرًا مشکل دارد.

استاد: کارمزد چهار درصد نه سود، کارمزد را آیت‌الله وحید خراسانی هم فرمودند. در بعضی از موارد فرمودند که بیشتر از چهار درصد هم اشکال دارد، ببینید من اصلاً نمی‌دانم چهار درصد را چطور می‌شود درآورد؟! ببینید اگر در عقدی مثل عقد قرض‌الحسنه باشد شما میزان کاری که برای اعطای این قرض انجام شده است را می‌توانید به عنوان کارمزد اخذ کنید. اگر میزان کاری که اخذ می‌کنید انجام می‌دهید هزینه‌اش کمتر باشد هزینه‌اش به اندازه یک درصد باشد شما نمی‌توانید چهار درصد بگیرید، طبق قانون دو و نیم تا چهار درصد آمده است. بانک‌ها می‌توانند بگیرند حسب موردنی که هزینه می‌برد برای آنها.

البته من از آقای دکتر سیف سؤال کردم، ایشان گفتند واقعاً هزینه عملیاتی ما برای اموری مثل قرضالحسنه بیشتر از چهار درصد نیست و قانون بیش از چهار درصد اجازه نداده است. پس بنابراین اگر امر قرضالحسنه باشد شما اصلاً شرط مازاد نمی‌توانید بکنید چه دو درصد، چه یک درصد، چه چهار درصد، و تنها می‌توانید هزینه کارکرد را اخذ کنید که به آن کارمزد می‌گوییم که به تعبیر دیگر کارمزد همان مزد کاری است که انجام می‌شود.

اما اگر از این عقد بگذرید مثلاً فروش اقساطی بشود، ظهور فروش اقساطی چه چیزی است؟ در قالب غیر بانکی مطرح کنیم، شما کالایی را خریدید صدوحد، می‌گویید آقا شما بیا از من صدوبیست واحد بخر، می‌گوییم باشد در چند قسط به شما بدهم؟ می‌گویید در یک سال به من بدھید خوب است، من هرماهی صدتومان به شما می‌دهم. هزار تومان خریدم هزار و دویست می‌دهم هرماه مبلغی می‌دهم تا کل مبلغ تمام شود. پس خریدوفروش، این خریدوفروش حتماً باید در صدش چهار درصد باشد یعنی من صدتومان خریدم صدوچهار واحد، هزار تومان خریدم هزار و چهل واحد باید از شما بگیرم، یا با هم تفاهم کنیم یک نرخی را شما بگویید من هم بگویم.

اتفاقاً همین تعبیر در روایات ما هم هست. دقیقاً سؤال می‌کند، می‌آید خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌گوید آقا من کالایی را می‌خواهم که فروشنده ندارد، به او می‌گوییم برو کالا را برای من بخر و با هم چک و چگونه می‌کنیم که ده یازده، تعبیر ده یازده را بکار می‌برد گویا این تعبیر ده یازده تعبیری بوده است که از فارسی در روایت رفته است، اصلاً خود روایت هست که اربحک ده یازده، اربحک ده دوازده، همین تعبیر اتفاقاً در متن روایت آمده است، تعبیری که از زبان فارسی به آنجا منتقل شده است و نخواستند تغییرش هم بدھند.

خوب معنایش این است که من کالایی را ندارم شما پولش را داری ولی کالا را نداری، می‌گوییم شما برو کالا را بخر، من از او می‌خرم با آن درصد سودی که می‌خواهد به او می‌دهم، آیا نیاز دارد که حتماً چهار درصد باشد؟ هر مقدار شد دیگر، این فروش اقساطی است دیگر، نمی‌گویند آقایان کل عملیات بانکی نباید بیشتر از چهار درصد باشد، نه اگر عقد قرضالحسنه باشد نمی‌تواند بیش از چهار درصد باشد طبق قانون.

عرض کردم اگر واقعاً هزینه‌هایش کمتر باشد باید کمتر باشد. یک مثال خدمتان می‌زنم. الان مجموعه ما آمدیم اینجا و می‌خواهیم یک شرکت تعاونی قرضالحسنه مثلاً باز کنیم. من می‌خواهم از این مجموعه شما قرض بگیرم، فرض کنید اصلاً داخل شما هم نیستم و شما هم به یک طبله‌ای که نیازمند باشد قرض را می‌دهید. شما هزینه‌ای که دارید، واقعاً هزینه‌ای که دارید هزینه به اندازه هرماهی مثلاً صدهزار تومان هزینه دارید. خوب در این صورت شما می‌توانید از ده تا وامی که به طور متوسط می‌دهید، صدهزار تومان بوده است، به طور متوسط دههزار تومان از هر نفری بگیرید. این هزینه شما می‌شود. آیا هزینه این مقدار است از هر نفر می‌توانید بیست هزار تومان بگیرید؟ هزینه شما بیشتر از این نیست، می‌توانید بیشتر بگیرید؟ کارمزد به اندازه مزد کار است دیگر، چون اگر در قرضالحسنه شرط

مازاد بکنید شرط مازاد که به ربا منجر می‌شود، کل قرضِ **یَجْرٌ** منفعهٔ فهو ربا. هر قرضی، شرط شده باشد.

گرچه جالب است بدانید اگر شرط نشود مستحب است که انسان مازاد بدهد. در تاریخ نقل می‌کنند که پیامبر از کسانی بود که همیشه قرض می‌گرفت مازاد می‌پرداخت و لذا خیلی از افراد تمایل داشتند که به حضرت قرض بدهند، شرط نمی‌کردند اما حتماً رسم حضرت این بوده است که یک مازادی پردازد، آن مازادی بوده است که در عقد شرط نشده است، آنچه که مطرح شده است و عرض کردم این بوده باید به‌طور مشخص قرضی که داده می‌شود آن کارمزد که مزد کار است اخذ بشود اما در غیر عقد قرض‌الحسنه که اصلاً سیستم بانکداری را اگر بخواهید بر مبنای قرض‌الحسنه شکل دهید نمی‌تواند یک سیستم سودآوری باشد، غیر از موارد خاص که اجازه دهید وارد نشوم.

لذا اگر بانکداری بخواهد حتماً بانکداری اسلامی باشد باید در عقود مبادله‌ای وارد شود، در عقود مشارکتی وارد شود و سود کسب کند و به متقارضیان بدهد. شما حاضر می‌شوید که پولتان را در بانک بگذارید هرچه دارید و بعد هم بانک به شما هیچ‌چیزی ندهد؟ اگر مناسب با قرض‌الحسنه باشد به له ولی می‌شود بانکی تشکیل داد که فقط قرض‌الحسنه بدهد و قرض‌الحسنه بگیرد؟ آیا ضرورتی هم دارد؟ حالا یک آدمی هست که می‌تواند کار کند و سود کلانی هم به دست بیاورد من به او قرض‌الحسنه بدهم او سود کلان خودش را به دست آورد و اصل پول من را برگرداند؟ خوب می‌توانم در قالب عقود مبادله‌ای با او کار کنم دیگر، می‌گویم آقا چه می‌خواهی؟ ماشین‌آلات می‌خواهی؟ ماشین‌آلات را با پول من بخر، من به تو می‌فروشم و شما اقساطی بخر، هم شما سود می‌کنی و هم من سود می‌کنم.

- استاد، پژوهش‌های خودتان را نفرمودید.

استاد: پژوهش‌هایی که من داشتم متعدد است، شاید ۳۰-۲۰ تا مقاله‌ای در کتاب‌های در این عرصه ببینید، من عمدتاً بانکداری اسلامی کار کردم و به‌طور مشخص در عقد استصناع کار کردم و درواقع شاید حدود ده دوازده تا مقاله و پژوهش متعدد در بانکداری اسلامی از من ببینید. همچنین در برخی مباحث توسعه کار کردم الان بیشتر در بحث بانکداری متمحض هستم و کتابی دارد چاپ می‌شود از ما و یک کتابی هم قرارداد بستیم که کتاب درسی دانشگاه خواهد شد تحت عنوان «بانکداری اسلامی ۱» با همکاری آقای موسویان و برخی از دوستان داریم کار را انجام می‌دهیم. اجمالاً اگر اسم ما را بزنید مقالاتی که در این زمینه هست برای شما خواهد آمد.

### عقود جدید

خوب ببینید من خیلی می‌خواهم سریع این بحث را مطرح کنم تحت عنوان ضوابط عقود جدید، بررسی موردنی عقد استصناع و تورم. ببینید یک بخشی که بسیار گسترده در بحث‌های فقهی ما مطرح است بحث عقود جدید است. عقود جدید آیا شرعیت دارد؟ آیا شرعیت ندارد؟ می‌توانیم از عقود

جدید استفاده کنیم می‌گوییم صحیح هستند؟ اصلاً چنین عقدی در زمان شارع نبوده ولی حالا هست مثل بیمه، مثل همین عقد استصناع که حالا برخی معتقدند نبوده است و ما معتقدیم که در زمان شارع این بوده است.

مینا در اینجا چیست؟ احکام عقود جدید و غیرمعین نظیر صحت و فساد که به عصر شارع متداول نبوده است از قدیم مورد اختلاف فقیهان بوده است. درواقع اختلاف در تأسیسی یا امضایی بودن الفاظ معاملات و متأثر از اختلاف در مقدار و کیفیت دلالت عمومات و اطلاقات باب معاملات و شمول یا عدم شمول آنها بر عقود نامعین و اختلاف در اثبات و جریان اصل صحت یا اصل اولی فساد، همه اینها سبب تفاوت آراء فقیهان شده است.

برخی از فقهاء معتقدند که عقود جدید را صحیح نمی‌دانیم چون در زمان شارع نبوده است. نوع فقهای معاصر قبول دارند که عقود جدید درست است ولی نوع قدمای می‌گویند نه این عقدها درست نیست. بنابراین بیشتر قدمای این عقدهای جدید را غیرشرعی دانستند ولی بیشتر فقیهان متأخر با تمسک به اطلاقات و عمومات ادله فقهی شرعیت و تطابق آنها را با موازین فقه شیعه اثبات کردند.

این عده عمدتاً اصل صحت را توسعه داده و آن را مبنای صحت قراردادهای جدید و نامعین قرار دادند؛ گرچه اتفاق و اجماع آنها به اصل فساد به عنوان اصل اولی در معاملات محرز است، یعنی چه؟ یعنی اگر معامله‌ای را شک داشته باشد که معامله درست است یا نیست اصل فساد است. خوب اهمیت بحث هم از اینجا ظاهر می‌شود، خیلی از عقود جدید الآن دارد مطرح می‌شود، به جرئت می‌توانم بگویم که هفته‌ای یا ماهی نمی‌گذرد که در بازار سرمایه شما بحث‌های عقود جدید را نداشته باشید، بسیار آپشن‌ها، فورواردها، آتی‌ها، بسیار گسترده دارد مطرح می‌شود.

ینها همه عقود جدید هستند، قرار باشد عقد جدید را ما فاسد بدانیم کل کازه و کوزه بورس را باید جمع کنیم! معاملاتی که الآن در صحنه بین‌المللی انجام می‌شود معاملات جدید است. معاملات نفت معاملات جدید است، پول را بعد می‌گیرید کالا را هم بعد می‌دهید، این چیست؟ کالا به کالی است، اگر کالا به کالی باشد کلش باطل است، چه معامله جدیدی است؟ نه نیست، قرارداد توافق فروش است، توافق می‌کنی که کالایی را بخری، وعده به فروش است، خیلی متفاوت است. در هر صورت نوع فقهای ما البته عرض هم خواهم کرد، نه فقهای معاصر، نه فقهایی مثل شیخ انصاری هم معتقدند که این بحث جا دارد و باید بشود و قایل به صحت هستند.

اجازه دهید من بحث را یک مقداری جلو ببرم. ببینید ما در این بحث همان‌طور که مشهور فقهاء هم معتقدند ما عقود جدید را صحیح نمی‌دانیم مگر اینکه یک مشکلی در ارتباط با عقد وجود داشته باشد مثلاً شامل ربا بشود، شامل اکل مال به باطل بشود، یک اصلی از اصول شرعی مسلم زیر سؤال برود. مثلاً ببینید برخی از معاملاتی که در بازار بورس هست مبنی بر ربا است و مطلقاً نمی‌توانیم تأیید کنیم، پس ببینید عقد جدید است. این عقد جدید اگر ضوابط کلی را رعایت کرده باشد عقد هست، عهد هست، در این صورت می‌توانیم پذیریم؛ ولی اگر نباشد قابل پذیرش نیست.

## استصناع

من از این جهت هم باز می‌خواهم یک مقدار جلوتر بروم. عرض کردم مهم‌ترین دلیلی که فقها در این ارتباط مطرح می‌کنند اوفوا بالعقود است. می‌خواهم به عنوان موردی خدمت شما عرض بکنم بحث عقد استصناع را داریم. این می‌طلبد که ما یک ساعتی این بحث را داشته باشیم!

استصناع، قراردادی بین دو شخص حقیقی و حقوقی است مبنی بر تولید کالایی خاص یا اجرای پروژه‌ای با ویژگی‌های مشخص در آینده که سفارش‌گیرنده یا پیمانکار در ازای گرفتن مبالغ آن در زمان‌های توافق شده که بخشی از آن می‌تواند به صورت نقد و بخشی از آن به صورت اقساط به تناسب پیشرفت فیزیکی کار یا حتی مستقل از آن باشد و براساس زمان‌بندی کوتاه‌مدت یا بلندمدت معهد می‌شود مواد اولیه و کالاهای موردنیاز برای اجرای پروژه را مستقیماً خود تهیه کند و در زمان مشخص کالا یا پروژه موردنظر را ساخته، به سفارش دهنده تحويل بدهد. به این استصناع می‌گوییم.

معنای استصناع چیست؟ اینکه شما می‌خواهید بروید به پیمانکار صحبت کنید که این زمین من است بیا برای من خانه بساز، یا اصلاً زمین هم ندارد، یک خانه هشتادمتری صدتری دویست‌متری برای من بساز، این چیست؟ این قطعاً معامله نقدی که نیست، یک قسمتی را از پول را ممکن است بدھی و بقیه آن را هم بدھی و در آینده کم‌کم، چند درصد پیشرفت کار داشت من این مقدار به تو می‌دهم و بعد که پروژه تمام شد این مقدار به تو می‌دهم یا نصف خانه ساخته شد پنجاه درصد می‌دهم. همین طوری به توافق طرفین پیش می‌روند.

ماهیت این چیست و در فقه چه عنوانی دارد؟ بیع نقدی که نیست، نسیه هم که نیست، کالی به کالی هست یا نیست؟ پول را آینده می‌دهی کالا را آینده می‌گیری، یا نقد یا نسیه یا کالی به کالی یا دین به دین یا سلف، آیا این سلف است؟

- تعهد به انجام کار.

استاد: خوب این چه می‌شود؟

- یک نوع قرارداد خصوصی آزاد. در قالب عقود معین ممکن است نگنجد ولی یک قرارداد آزاد است، یک قرارداد خصوصی مطابق با ماده ۱۰.

استاد: خوب این در هر صورت عقدی نیست که در گذشته بوده و اگر هم بوده چیزی در فقه نیست. حالا چکار کنیم؟ صحیح است یا نیست؟ یعنی در واقع یک عقد کاملاً جدید که الان به شکل گسترده دارد استفاده می‌شود، شما فازهای از ابتدا تا بیست و چهار پنج عسلویه بوده که همه‌اش به همین مبنای است. بالاخره این چیست؟

دو تا دیدگاه غالب در اینجا وجود دارد. دیدگاه اول این است که این بیع مستقل است، دیدگاه دوم این است که عقد مستقل است. این دو تا دیدگاه غالب است و بقیه دیدگاه‌ها دیدگاه‌های

شذوذاتی است. مثلاً آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است این سلف است و بنابراین می‌گوید آن معامله استصناع، معامله باطلی است و باید وقتی که کالا ساخته شد آنوقت دوباره بیایند بیع معامله کنند. غیر از ایشان کسی این حرف را نمی‌زند. برخی از فقهای ما گفتند در غالب صلح باید فقط مطرح شود، عقد مستقل نداریم؛ ولی عده فقهای ما معتقدند این عقد مستقل یا بیع مستقل است.

- جuale نمی‌شود؟

استاد: ببینید من در این بحث آوردم، جuale چند تا خصوصیت دارد:

۱. وجود حالت اگری در جuale به خلاف استصناع، می‌گوید اگر این کار را انجام دادی من انجام می‌دهم، در قراردادهای واقعی اگری نیست، قرارداد محکم چسبیده که اصلاً امکان اگر ندارد.

- اصلاً انجام‌دهنده معلوم نیست چه کسی است.

استاد: می‌تواند معین شود.

۲. تملیک بعد از اتمام کار در جuale، چهل را کی به طرف می‌دهید؟ شروع کار می‌توانید به او بدهید؟ بعد از اتمام کار.

۳. جواز فسخ در جuale برخلاف استصناع. جuale گفتیم عقد است یا ایقاع؟ مشهور این است که ایقاع است و شما می‌توانید فسخ هم بکنید. نه اصلاً جuale استصناع نیست، می‌توانید استصناع لغوی را که از ماده صنعت می‌آید در قالب جuale بپریزیم، ولی آنچه که در بازار است چنین چیزی نیست. موارد متعددی را عرض کردم ولی آنچه که می‌خواستم عرض کنم این است که آیا عقد استصناع بیع مستقل است یا عقد مستقل است؟ دو دیدگاه متعدد وجود دارد، آنها بیع و شراء بدهید، اگر عنوان بیع و است مثل مقام معظم رهبری معتقد است که بیع مستقل است، یک دلیل خیلی زیبایی دارد و این دلیل این است که می‌گویند اگر استصناع را شما عرف‌باشید بتوانید اطلاق به بیع و شراء بدهید، اگر عنوان بیع و شراء بر عقد استصناع منطبق شود گرچه شرایط بیع نسیه و بیع سلف را ندارد (نسیه نیست و سلف هم نیست، اگر سلف باشد کل مبلغ باید در مجلس عقد پرداخت شود) مشمول ادله صحت و نفوذ بیع خواهد بود، چرا؟ استدلال دارد، تمام استدلال مقام معظم رهبری که ما خودمان از ایشان پرسیدیم این است:

زیرا شرایط مصنوع شرایط حکم است و نه قید مقوم موضوع. هیچ توضیحی هم ندادند، توضیح در اینجا از ماست، یعنی چه؟ یعنی اگر حکم بیع و نسیه و سلف بخواهد جریان یابد شرایطی مثل قبض ثمن در مجلس باید تحقق پیدا کند. یعنی شرط حکم است، ولی اگر این شرایط تحقق نیافت به معنای عدم تحقق موضوع بیع و شراء نیست. بیع و شراء تحقق پیدا کرده است ولی سلف نیست و اشکال ندارد. چه کسی تعهد کرده است که حتماً باید بیع و شراء در قالب اینها بگنجد؟ یک عقد جدیدی و یک بیع جدیدی می‌توانیم بر آن بار کنیم به عنوان بیع استصناع.

این دیدگاهی است که مقام معظم رهبری و برخی از فقهاء دارند. ولی این دیدگاه در کنارش یک دیدگاه قوی‌تری مطرح می‌شود که عقد استصناع به عنوان عقدی مستقل مطرح است، فرقش چیست؟

اگر قرارداد استصناع را به عنوان بیع مستقل دانستید همه خیارهای بیع تقریباً آنجا هم هست. تقریباً که می‌گوییم یک تأملی دارد. اما اگر این را عقد مستقل دانستیم تمام خیارات عقلایی را می‌توانیم بر آن بار کنیم نه خیاری که به طور خاص دلیلی در شرع نسبت به بیع وجود دارد. مثلاً حالا در ارتباط با استصناع این بحث مطرح نمی‌شود؛ اما خیار حیوان یک خیار دلیل مستقل در ارتباط با بیع است دیگر، عقلایی که نیست که شما بعد از سه روز که این حیوان را خریدید بتوانید پس بدھید. این خیار خیار شرعی است و خیار عقلایی نیست، حالا در ارتباط با استصناع هم این بحث مطرح نمی‌شود.